

اينفوگرافيك

اكتشاف ۴۵ ميليارد دلارى در قلب فارس

ميدان گازى تازه كشف شده «تخته» در استان فارس با ۵۷۰۰ ميليارد فوت مكعب گاز قابل برداشت و ۲۰۰ ميليون بشكه ميگانات استحصالي، معادل ۴۵ ميليارد دلار ارزش دارد.

	كل ذخاير گازى ميدان «تخته»
	۷،۵۰۰ ميليارد فوت مكعب گاز قابل برداشت
	۵،۷۰۰ ميليارد فوت مكعب كل ميگانات ميدان
	۲۷ ميليون بشكه ميگانات قابل استحصال
	۲۰ ميليون بشكه ارزش كل ميدان
	۴۵ ميليارد دلار سهم ميگانات در ارزش
	۴۰ ميليارد دلار

ويژگي‌هاى فنى مخزن	
	طول ميدان ۵۰ كيلومتر
	عرض ميدان ۴ كيلومتر
	ضخامت مخزن ۴۵۰ متر
	عمق حفارى چاه اكتشافى ۵ كيلومتر
	مدت حفارى چاه اكتشافى ۱۷ ماه
	متولى اكتشاف كاملا دخلى
	نوع گاز ميدان شيرين

پارك‌وى موتور سىكلت ۳۰۰ ميليونى رؤياى شهروندان شد

جيش بى‌سابقه قيمت وسايل نقليه، بازار موتور سىكلت را به مسرّ بحران كشانده جايي كه موتور سىكلت پر كاربرد هوندا ۱۲۵ را بر چسب قيمتى ۲۵۰ تا ۳۰۰ ميليون توماني خورده و نمونه‌هاى ديگر تا مرز ۱ تا ۲ ميليارد تومان پيش رفته‌اند؛ وضعيتي كه به گفته كارشناسان ناشى از تورم، نبود نظارت كافى و انحصار چند تأمين كننده عمده است.
بايك صدرابى، كارشناس صنعت خودرو، در گفت‌وگو با برنامه پار كوى تلويزيون همشهري با تأييد اين فاجعه قيمتى در بازار وسايل نقليه هشدار داد كه ادامه اين روند به حذف تدريجى مصرف كنندگان از بازار منجر خواهد شد. به گفته او، محدود بودن عرضه و تمرّكز بازار در اختيار چند بازىگر اصلى، باعث مى‌شود رقابت مؤثر شكل نگيرد و قيمت گذارى نيز به درستي عمل نكند.

سايه سنگين نيمه انحصار بر بازار موتور
اين كارشناس صنعت خودرو با اشاره به ضعف نظارت‌ها و ايد به ساخت غير قانونى بازار، بر ضرورت اصلاح عرضه تأييد كرد و افزود: عرضه را بايد بيشتر كرد و در دل عرضه، قيمت گذارى درست شكل بگيرد. متأسفانه بازار دست فقط چند تأمين كننده عمده قرار دارد و اين خودش نيمچه انحصارى ايجاد مى‌كند.

استفاده از وسايل نقليه پاك
صدرايى به همچنين پيشنهاده كرد كه سياستگذارى‌ها بايد به وسعت حمايت از وسايل نقليه كم‌الاينده نظير موتور سىكلت‌هاى برقى هدايت شود و دولت با ارائه تسهيلات ويژه، شرايطى فراهم كند تا اقشار زحمتكش و پيك‌موتورى‌ها بتوانند از وسايل نقليه ايمپن‌تر و پاك‌تر استفاده كنند.

نوسانات ارزى و چشم‌انداز ركودى بازار
صدرايى با انتقاد از نوسانات شديد نرخ ارز كه تمام برنامه‌ريزى‌هاى اقتصادى مصرف‌كننده را مختل کرده است، خاطر نشان كرد: اين نوسان شديد، برنامه‌ريزى را به هم مى‌ريزد. مصرف‌كننده براى موتور ۳۰۰ ميليون توماني برنامه‌ريزى مى‌كند، تا مى‌ايد خريد كند، مى‌شود ۴۰۰ ميليون تومان. اينها شرايط را سخت مى‌كند.

پيش‌بينى بازار
او درباره پيش‌بينى وضعيت بازار در ماه‌هاى آينده گفت: بازاری داريم كه تا چندماه آينده، حداقل مى‌شود پيش‌بينى كرد كه در يك حالت ركود است. ممكن است به‌خاطر اخبار و اتفاقي، به‌صورت هيچانى درصد خيلى كمى قيمت‌ها بالا يا پايين شود، اما فعلا اين ظرفيت را نمى‌بينم كه فتر قيمت‌ها چنان در برود كه خيلى بالا برود يا پايين بيايد.

بloomberg طى گزارشى مدعى شد قيمت هر محموله از نفت ايران به بالاترين سطح طى سال‌هاى اخير رسيده است؛ چراكه به دليل نبود عرضه كافى، قيمت‌هاى پيشنهاده‌اى از حالت تخفيف نسبت به نرخ‌هاى جهانى خارج شده و حتى به نرخ‌هاى بيش از ۴ دلار بيشتر از نرخ جهانى نفت به فروش مى‌رسد.

محمد اللّهداد، مديرعامل شركت توانير با اشاره به اينكه بيش از ۳۰۰ هزار دستگاه ماينر غيرمجاز شناسايى و توقيف شده‌است، گفت: با توقيف ماينرها و شناسايى چاه‌هاى كشاورزى غيرمجاز، از برداشت بيش از ۲۳۰۰ مكگوات بار غيرمجاز از شبكه برق كشور از ابتدائى سال جلوكيرى شده است.

جنگى كه براى آمريكا گران تمام مى‌شود

آيا واشنگتن توان ادامه نبرد با ايران را دارد؟

بهزاد رنجبر | روزنامه نگار | گزارش
هر چه جنگ ايران و امريكا وارد مرحله‌اى شده كه هزينه آن براى واشنگتن ديگر فقط در ميدان نظامى محاسبه نمى‌شود. افزايش بازده اوراق خزانه، كسرى سنگين بودجه، رشد قيمت بنزين، خطر بازگشت فشارهاى تورمى، هزينه‌هاى مستقيم جنگ و كاهش محبوبيت دونالد ترامپ در آستانه انتخابات ميان دوره‌اى، مجموعه‌اى از فئسارها را بر دولت امريكا ايجاد كرده‌است. در چنين شرايطى، پرسش اصلى ديگر فقط اين نيست كه امريكا از نظر



جنگ براى اقتصاد امريكا هنوز در مقياس اقتصاد چنده‌تريليون دلارى اين كشور يك بحران مالى محسوب نمى‌شود؛ مشكل از انجا آغاز مى‌شود كه هزينه جنگ به مجموعه‌اى از مشكلات موجود در اقتصاد امريكا اضافه شود. پنتاگون در ماه ژوئيه اعلام كرده بود هزينه مستقيم جنگ ايران براى امريكا تا آن زمان به ۳۷/۵ ميليارد دلار رسيده است. همزمان وزارت دفاع امريكا به دنبال تأمين منابع مالى بيشتر براى ادامه عمليات بود. اين رقم، تنها هزينه مستقيم اعلام‌شده از سوى پنتاگون است و هزينه‌هاى غير مستقيم جنگ، افزايش هزينه انرژى، اختلال در تجارت، هزينه استقرار نيروها و تأثير احتمالى بر بازارهاى مالى را شامل نمى‌شود.

كسرى ۴۳۲ ميليارد دلارى؛ جنگ روى اقتصاد بدهكار
وزارت خزانه‌دارى امريكا اعلام كرده است كه كسرى بودجه فدرال در ژوئيه ۲۰۲۶ به ۴۳۲ ميليارد دلار رسيده است؛ رقمى كه اين ماه را به يکى از سنگين‌ترين ماه‌هاى كسرى بودجه امريكا تبديل كرده است. كسرى جمعى بودجه امريكا در ۱۰ ماه نخست سال مالى ۲۰۲۶ نيز به حدود ۱.۸ تريليون دلار رسيده و از كل كسرى سال مالى ۲۰۲۵ بيشتر شده است. البته بخش مهمى از افزايش كسرى بودجه ماه‌هاى اخير به جايه‌جايى تقويمى پرداخت برخى مزايا مربوط است و بنابراین نمى‌توان تمام اين افزايش را به جنگ نسبت داد اما حتى پس از تعديل اين اثر، كسرى ژوئيه حدود ۲۲۲ ميليارد دلار برآورد مى‌شود كه همچنان حدود ۱۸ درصد بيشتر از سال قبل است.

پيش از آغاز جنگ، نرخ تورم امريكا در محدوده ۳/۴ درصد بود كه اين رقم بلافاصله در يك‌ماه به ۳/۳ درصد و در ماه بعد به ۳/۸ درصد و در نهايت ۴ ماه بعد از آغاز جنگ در ماه مى به ۴/۲ درصد رسيده. در حال حاضر قدرى از اهنگ تورم امريكا كاسته شده و اين نرخ به ۳/۴ درصد رسيده است. با اين حال اين رقم نيز در مقايسه با نرخ تورم قبل از شروع جنگ بسيار بالاتر است. مشكل اينجاست كه جنگ و اختلال در بازار انرژى مى‌تواند فشار تورمى جديدى ايجاد كند. اکنون فدرال رزرو با يك انتخاب دشوار روبه‌رو شده: يا نرخ بهره را بالا نكه دارد تا با تورم مقايله كند يا براى حمايت از اقتصاد نرخ بهره را كاهش دهد و ريسك تشديد تورم را بپذيرد. هر دو انتخاب براى دولت امريكا نيز به ضرر خواهد بود.

شايد مهم‌ترين هشدار اقتصادى براى واشنگتن در هفته‌هاى اخير نه در بازار سهام، بلكه در بازار اوراق خزانه ظاهر شده باشد. بازده اوراق ۳۰ ساله خزانه‌دارى امريكا در ماه اوت به بالاي ۵/۳ درصد رسيده؛ سطحى كه از سال ۲۰۰۷ تا كنون كم‌سابقه است. اين به‌معناى آن نيست كه امريكا در آستانه ورشكستگى قرار گرفته است. دلار و اوراق خزانه همچنان ستون‌هاى اصلى نظام مالى جهانى هستند اما مسئله مهم، افزايش هزينه تأمين مالى دولت امريكا است. هر چه نرخ بهره بالاتر بماند، دولت براى تمديد و انتشار بدهى جديد بايد بهره بيشترى پرداخت كند. در اقتصادى كه كسرى بودجه آن به حدود ۱/۸ تريليون دلار مى‌رسد، افزايش هزينه بهره مى‌تواند خود به عاملى براى تشديد كسرى تبديل شود.

متوسط قيمت بنزين در امريكا در هفته‌هاى اخير از مرز ۴ دلار براى هر گالن عبور كرده است. قيمت بالايى سوخت فقط به رانندگان اسيب نمى‌زند. افزايش قيمت بنزين و گازويل، هزينه حمل‌ونقل، مواد غذايى و خدمات را بالا مى‌برد و در نهايت به فشار بر قدرت خريد خانوارها منجر مى‌شود؛ اين همان نقطه‌اى است كه جنگ خارجى به يك مسئله داخلى تبديل مى‌شود. تأثير جنگ بر قيمت انرژى آنقدر جدى شده كه دولت امريكا به دنبال افزايش توليد فرآورده‌هاى نفتى و كمك به پالايشگاه‌ها براى پايين آوردن قيمت سوخت است.

در جنگ‌هاى طولانى، بيروزي لزوماً متعلق به كشورى نيست كه در روز اول قدرت نظامى بيشترى دارد، بلكه ممكن است نصيب آن كشورى شود كه بتواند هزينه‌ها را براى مدت طولانى‌ترى تحمل كند. ايران نيز با فشار شديد اقتصادى، تورم، محدوديت منابع ارزى و اختلال در تجارت خارجى مواجه است اما سؤال راهبردى اين است كه کدام طرف مى‌تواند فشار را براى مدت طولانى‌ترى تحمل كند؟ عبدالناصر همتى، رئيس كل بانك مر كزى ايران، ديروز در همين رابطه گفت: فشار امريكايى‌ها نمى‌تواند ادامه پيدا كند. با اطلاع مى‌گويم آنها بيشتر از ما تياز دارند كه اين شرايط تمام شود. همتى البته در همان سخنان تأكيد كرد كه اقتصاد ايران در شرايط بسيار سختى قرار دارد و بايد با مردم صاف‌دانه درباره مشكلات صحبت كرد. امريكا هنوز قدر تشند است اما جنگ با ايران ديگر يك عمليات كم‌هزينه نيست. هزينه آن در بازار اوراق ديده مى‌شود، در كسرى بودجه ديده مى‌شود، در قيمت بنزين ديده مى‌شود، در نگرانى‌هاى تورمى ديده مى‌شود. در هزينه‌هاى نظامى ديده مى‌شود و مهم‌تر از همه، در افكار عمومى امريكا و نزد يك شدن انتخابات ميان دوره‌اى ديده مى‌شود. اينده جنگ را نمى‌توان فقط بر اساس قدرت نظامى امريكا پيش‌بينى كرد. نقطه تعيين‌كننده، زمانى است كه هزينه ماندن از هزينه خروج بيشتر شود. احتمالاً محاسبه اصلى در واشنگتن بر سر پاسخ به اين پرسش است كه هزينه ادامه جنگ چقدر است و هزينه پايان دادن به آن چقدر؟ اگر ادامه جنگ باعث افزايش بيشتر قيمت نفت و بنزين، تشديد تورم، بالا ماندن نرخ بهره، افزايش هزينه تأمين مالى دولت، رشد كسرى بودجه و كاهش بيشتر محبوبيت ترامپ شود، در آن صورت فشار براى رسيدن به يك توافق افزايش خواهد يافت.

شاخص	قبل از جنگ	اکنون	اهميت براى ادامه جنگ
تورم	۳.۴ درصد	۳.۴ درصد	افزايش فشار بر خانوار و فدرال رزرو
بنزين	۲.۹۸ دلار	۴.۱۰ دلار	بسيار بالا
سود اوراق ۱۰ ساله	۳.۹۴ درصد	۴.۷۱ درصد	بالا
سود اوراق ۳۰ ساله	۴.۶۴ درصد	۵.۲۴ درصد	بسيار بالا
كسرى ماهانه	۳۰۷.۵ ميليارد دلار	۴۳۲ ميليارد دلار	بالا
بدهى ملى	۳۸.۶ تريليون دلار	۴۰+ تريليون دلار	بسيار بالا
ذخير نفت تجارى	۴۳۹ ميليون بشكه	حدود ۴۰۵ ميليون بشكه	متوسط تا بالا
هزينه جنگ	صفر	۳۷.۵+ ميليارد دلار	رو به افزايش
محبوبيت ترامپ	۴۰ درصد	۳۳ درصد	بسيار بالا
انتخابات	فاصله زياد	نزديك	بسيار بالا

جبهه فشار	نشانه‌فعلى	اثر
بودجه	كسرى ۴۳۲ ميليارد دلارى ژوئيه	افزايش فشار مالى
اوراق بدهى	بازده ۳۰ ساله بالاي ۵.۲ درصد	افزايش هزينه استقراض دولت
انرژى	بنزين حدود ۴.۱۰ دلار	فشار مستقيم بر خانوارها
تورم	تورم بالاتر از هدف ۴ درصد	دشواري شدن سياست پولى
انتخابات	كاهش محبوبيت ترامپ و مخالفت با جنگ	افزايش هزينه سياسى ادامه جنگ
ارتش	هزينه حداقل ۳۷.۵ ميليارد دلار + فشار بر مهمات	كاهش ظرفيت ادامه جنگ طولانى

در جنگ‌هاى طولانى، بيروزي لزوماً متعلق به كشورى نيست كه در روز اول قدرت نظامى بيشترى دارد، بلكه ممكن است نصيب آن كشورى شود كه بتواند هزينه‌ها را براى مدت طولانى‌ترى تحمل كند. ايران نيز با فشار شديد اقتصادى، تورم، محدوديت منابع ارزى و اختلال در تجارت خارجى مواجه است اما سؤال راهبردى اين است كه کدام طرف مى‌تواند فشار را براى مدت طولانى‌ترى تحمل كند؟ عبدالناصر همتى، رئيس كل بانك مر كزى ايران، ديروز در همين رابطه گفت: فشار امريكايى‌ها نمى‌تواند ادامه پيدا كند. با اطلاع مى‌گويم آنها بيشتر از ما تياز دارند كه اين شرايط تمام شود. همتى البته در همان سخنان تأكيد كرد كه اقتصاد ايران در شرايط بسيار سختى قرار دارد و بايد با مردم صاف‌دانه درباره مشكلات صحبت كرد. امريكا هنوز قدر تشند است اما جنگ با ايران ديگر يك عمليات كم‌هزينه نيست. هزينه آن در بازار اوراق ديده مى‌شود، در كسرى بودجه ديده مى‌شود، در قيمت بنزين ديده مى‌شود، در نگرانى‌هاى تورمى ديده مى‌شود. در هزينه‌هاى نظامى ديده مى‌شود و مهم‌تر از همه، در افكار عمومى امريكا و نزد يك شدن انتخابات ميان دوره‌اى ديده مى‌شود. اينده جنگ را نمى‌توان فقط بر اساس قدرت نظامى امريكا پيش‌بينى كرد. نقطه تعيين‌كننده، زمانى است كه هزينه ماندن از هزينه خروج بيشتر شود. احتمالاً محاسبه اصلى در واشنگتن بر سر پاسخ به اين پرسش است كه هزينه ادامه جنگ چقدر است و هزينه پايان دادن به آن چقدر؟ اگر ادامه جنگ باعث افزايش بيشتر قيمت نفت و بنزين، تشديد تورم، بالا ماندن نرخ بهره، افزايش هزينه تأمين مالى دولت، رشد كسرى بودجه و كاهش بيشتر محبوبيت ترامپ شود، در آن صورت فشار براى رسيدن به يك توافق افزايش خواهد يافت.

در جنگ‌هاى طولانى، بيروزي لزوماً متعلق به كشورى نيست كه در روز اول قدرت نظامى بيشترى دارد، بلكه ممكن است نصيب آن كشورى شود كه بتواند هزينه‌ها را براى مدت طولانى‌ترى تحمل كند. ايران نيز با فشار شديد اقتصادى، تورم، محدوديت منابع ارزى و اختلال در تجارت خارجى مواجه است اما سؤال راهبردى اين است كه کدام طرف مى‌تواند فشار را براى مدت طولانى‌ترى تحمل كند؟ عبدالناصر همتى، رئيس كل بانك مر كزى ايران، ديروز در همين رابطه گفت: فشار امريكايى‌ها نمى‌تواند ادامه پيدا كند. با اطلاع مى‌گويم آنها بيشتر از ما تياز دارند كه اين شرايط تمام شود. همتى البته در همان سخنان تأكيد كرد كه اقتصاد ايران در شرايط بسيار سختى قرار دارد و بايد با مردم صاف‌دانه درباره مشكلات صحبت كرد. امريكا هنوز قدر تشند است اما جنگ با ايران ديگر يك عمليات كم‌هزينه نيست. هزينه آن در بازار اوراق ديده مى‌شود، در كسرى بودجه ديده مى‌شود، در قيمت بنزين ديده مى‌شود، در نگرانى‌هاى تورمى ديده مى‌شود. در هزينه‌هاى نظامى ديده مى‌شود و مهم‌تر از همه، در افكار عمومى امريكا و نزد يك شدن انتخابات ميان دوره‌اى ديده مى‌شود. اينده جنگ را نمى‌توان فقط بر اساس قدرت نظامى امريكا پيش‌بينى كرد. نقطه تعيين‌كننده، زمانى است كه هزينه ماندن از هزينه خروج بيشتر شود. احتمالاً محاسبه اصلى در واشنگتن بر سر پاسخ به اين پرسش است كه هزينه ادامه جنگ چقدر است و هزينه پايان دادن به آن چقدر؟ اگر ادامه جنگ باعث افزايش بيشتر قيمت نفت و بنزين، تشديد تورم، بالا ماندن نرخ بهره، افزايش هزينه تأمين مالى دولت، رشد كسرى بودجه و كاهش بيشتر محبوبيت ترامپ شود، در آن صورت فشار براى رسيدن به يك توافق افزايش خواهد يافت.

گزارش

رئيس كل بانك مر كزى:

بالا رفتن قيمت ارز موقتى است و كاهش پيدامى كند

قيمت هر دلار امريكا در بازار آزاد طى ۲ روز گذشته وارد كانال جديد شد و ارزش آن در برابر ريال ايران ديروز تا ساعت ۱۵ به ۲۰۲ هزار و ۸۱۵ تومان رسيد. آيا دلار در كانال ۲۰۰ هزار تومان باقى‌مى‌ماند يا قيمت آن شكسته خواهد شد؟ افزايش قيمت دلار و ديگر ارزهاى جهان روا، طى ۲ روز گذشته التهاب در قيمت‌ها را به همراه داشته تا جايي كه ارزش هر مثقال طلا به ۶ ميليون و ۵۳ هزار تومان و هر گرم طلاى ۱۸ عيار هم به ۲۲ ميليون و ۲۴ هزار تومان رسيد.

واكنش همتى به جهش دلار

رئيس كل بانك مر كزى با تأكيد بر اينكه اقتصاد ايران از شرايط سخت عبور خواهد كرد از تأمين روزانه به‌طور ميانگين ۱۷۵ ميليون دلار ارز، برنامه تأمين ۲۰ ميليارد دلار ارز مورد نياز صنعت تا پايان سال و اختصاص ۷۰۰ همت منابع مالى بدون ائكا به چاپ پول از طريق ابزارهاى تأمين مالى زنجيره‌اى براى توليد خير داد و گفت: شتاب تورم متوقف و رشد نقدبنگى كاهشى شده است. عبدالناصر همتى گفت: از بهمن‌ماه سال گذشته شرايط سخت را پيش‌بينى مى‌كرديم و به همين دليل، نسبت به ذخيره ارز در جاهاي مختلف اقدام كرديم. همين امر باعث شده تا بتوانيم قول مؤكد بدهيم كه ارز مورد نياز كالاهائى اساسى و دارو را تأمين مى‌كنيم؛ همچنين تا پايان سال، ارز مورد نياز صنعت را نيز تأمين خواهيم كرد. وي خاطر نشان كرد: در مورد فاصله نرخ ارز در بازار نيز متقدم، افزايش اين فاصله موقتى است و نبايد به دليل نوسانات کوتاه‌مدت، مسير سياست‌هاى ارزى را تغيير دهيم. من نسبت به آينده اقتصاد خوش بين هستم و متعقدم بسيارى از مشكلات موجود قابل حل است.

چشم‌انداز دلار در روزهاى آينده

احتمال دارد بانك مر كزى سياست مداخله مؤثر را در بازار ارز كليد بزند تا مانع از پيرويى هرچه بيشتر قيمت شود. با اين پيش‌فرض ممكن است قيمت دلار به زير ۲۰۰ هزار تومان برسد، به‌ويژه اينكه بخشى از افزايش قيمت طى ۲ روز گذشته ناشى از انتظارات تورمى و التهاب روانى است كه پيش‌بينى مى‌شود به‌زودى هيچان فروگش كند. با اين حال به دليل روند متغيرهاى كلان اقتصادى از جمله رشد پايه پولى، نقدبنگى و سير تورم در ماه‌هاى آينده اين فرضيه را نبايد از نظر دور داشت كه روند افزايش قيمت ارزهاى جهان‌روا در ماه‌هاى آينده تكرار شود.

سدازى در برابر تقاضاى تجارى

متغير ديگرى كه فرضيه تثبيت نسبي قيمت ارز را تقويت مى‌كند، به سياست بانك مر كزى در خصوص تأمين ارز تجارى مربوط مى‌شود. حسين تاجيك‌نژاد، مدير اداره تخصيص ارز بانك مر كزى اظهار كرد: اسمسال در بانك مر كزى تلاش شد روند صادرات و روش‌هاى بازگشت ارز تسهيل شود و در همين راستا، سازوكارهاى مانند توافق مستقيم ميان واردكننده و صادركننده و حذف برخى واسطه‌ها ايجاد شده است. اين مقام مسئول بانك مر كزى افزود: در خصوص مهلت اعتبار تخصيص ارز نيز نمى‌توان صرفاً با افزايش اين مهلت از يك‌ماه به ۱۰ ماهه موقت كرد؛ چرا كه در اين صورت بايد ارز را براى مدت طولانى‌ترى نگه داشت و صف تخصيص ارز نيز طولانى‌تر مى‌شود. به همين دليل، در سامانه اين امكان را ايجاد كرده‌ايم كه متقاضى اعلام كند ريال مورد نياز را در اختيار دارد و پس از آن تخصيص ارز انجام شود.

ريزش دلار با تقويت ديپلماسى

همزمان با سياست فشار حداكثرى و اعفاى مقامات امريكايى مبنى بر خفه كردن اقتصاد ايران تا تهديدت‌رين تحريم‌هاى مالى كه با هدف وادار كردن ايران به تسليم شدن در برابر تحريم‌ها صورت مى‌گيرد، آينده دلار و بازار ارز ايران را حدودى با مذاكرات هم‌گرم خورده است. همزمان با حضور ۲ مقام سياسى و نظامى پاكستانى و احتمال ورود دو هيات‌عالى رتبه‌فترى به‌نظر مى‌رسد مقامات كاخ سفيد اميدوار هستند تا روزنه‌اى در مسير تفاهم و كاهش تنش‌ها باز شود. بلندشن دود سفيد از تور ديپلماسى مقامات كشورهاى منطقه و گفت‌وگو با مقامات ايرانى مى‌تواند بخشی از تنش قيمتى در بازار ارز ايران را به‌صورت محسوس كاهش دهد.

مراقب تله دلار باشيد

ورود دلار به كانال ۲۰۰ هزار تومان، طبيعى است كه نگرانى و هيچان ايجاد كند اما براى مردم، اين روزها زمان تصميم‌گيرى احساسى و خريد هيچانى از نيست تجربه بازار ارز نشان داده‌است كه قيمت‌ها در دوره‌هاى التهاب مى‌توانند از متغيرهاى بنيادى فاصله بگيرند و تحت‌تأثير انتظارات تورمى، اخبار سياسى و رفتارهاى هيچانى معامله‌گرند چشش‌اند؛ همان‌گونه كه در صورت كاهش تنش‌ها، همين عوامل مى‌توانند در جهت معكوس عمل كنند. بنابراین اين پرسش كه «دلار حتماً بالاى ۲۰۰ هزار تومان مى‌ماند؟» پاسخ قطعى‌اى ندارد. بخشى از جهش اخير مى‌تواند ناشى از افزايش تقاضاى احتياياطى و عكاز گيرى انتظارات صعودى باشد. اگر بانك مر كزى مداخله مؤثر ترى در بازار داشته باشد، عرضه ارز تقويت يا نشانه‌هاى اى از كاهش تنش‌هاى سياسى و باز شدن مسير ديپلماسى ديده شود، امكان تخليه بخشی از حباب و عقبنشيني قيمت دلار وجود دارد. در چنين شرايطى، افرادى كه صرفاً با هدف كسب سود کوتاه‌مدت و تحت‌تأثير موج‌روانى بازار وارد خريد ارز مى‌شوند، بيش از ديگران در معرض زيان قرار دارند. ممكن است فردى در سقف هيچانى بازار دلار بخرد، اما با يك خبر سياسى مثبت يا افزايش عرضه، قيمت چندين هزار تومان عقبنشيني كند. البته اين هشدار به‌معناى نايده گرفتن عوامل بنيادى نيست. رشد نقدبنگى، تورم، كسرى بودجه، محدوديت‌هاى ارزى و شرايط اقتصادى مى‌توانند در بلندمدت بر نرخ ارز فشار صعودى وارد كنند. اما تفاوت مهمى ميان «روند بلندمدت» و «جهش کوتاه‌مدت» وجود دارد. پيام مهم براى مردم اين است: دلار، بازار تضمين شده سود نيست. خريد ارز در روزهاى التهاب با اين تصور كه «قيمت هرچه بالا برود، باز هم بالاتر مى‌رود» مى‌تواند خطرناك باشد. اگر تنش‌ها فروگش و مذاكرات پيشرفت كند يا سياسات ارزى بانك مر كزى اثر گذار شود، همان هيچانى كه قيمت را بالا مى‌برد، مى‌تواند زمينه‌ساز ريزش آن شود؛ بنابراین تصميم‌مالى را بايد بر پايه ترس از جاماندن از بازار يا رؤياى سود سريع گرفت.